توسن
هفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، منطقه جنوب شرق کشور

آقای استاندار! آیا دو سال برای حل مشکل بحران آب روستاها کافی نیست؟

صفحه ۲

لب‌های ترک خورده سیستانی‌ها بعد از افطار هم تشنه است

صفحه ۴

دوشنبه ۱۵ تیر ۱۳۹۴، سال دهم، شماره ۲۲۱ - قیمت: ۱۰۰۰ تومان - توزیع در استان های سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان و خراسان جنوبی

زیر سایه دیپلماسی لبخند

فـرار پنـج مـاهـه برادر عـبدالمالک

همین صفحه

سردار شعبانی در گفتگو تفصیلی با «توسن»:

تعدد مدیران غیربومی اشکال اساسی این استان است

صفحه ۸

- سرکرده فرقان در بلوچستان با گزارش مردمی به قتل رسید
- برای تحقق امنیت پایدار باید به مردم احترام بگذاریم
- اگر تدبیر نکنیم ظرفیت حضور داعش وجود دارد

طلای ویرانگر مافیای افغانی در دستان نوجوانان استان

صفحه ۳

نور چشمی زنان بلوچ در بوته فراموشی

صفحه ۵

بررسی توافق وین با نگاه به آب شیرین‌کن هسته‌ای چابهار

صفحه ۸

یادداشت

ادامه بد قولی‌ها درباره فروشِ قانونی سوخت

وعده سَر خرمَن

به گزارش «توسن»، در حالی استاندار سیستان و بلوچستان اردیبهشت امسال ضرب العجلی برای شروع مجدد فروش قانونی سوخت در مرزهای استان تعیین کرد و گفت که باید این طرح تا ۲۰ اردیبهشت اجرایی شود، اما هنوز با گذشت دو ماه از این وعده، مرزنشینان منتظرند و خبری از آغاز طرح نیست.

بر اساس گزارش‌ها در چند ماه گذشته تنها بر اثر چند تصادفِ «سوخت‌کش‌ها» (خودروهایی که سوخت را به صورت غیرقانونی در جاده‌ها حمل می‌کنند) در جاده‌های استان بیش از ۳۰ نفر زنده زنده در آتش سوخته‌اند که آتش این مصیبت به خانواده‌های بی‌گناه ایرانی بر عهده همه کسانی است که در این زمینه کوتاهی کرده‌اند.

این آمارها، بیشترین حواث جاده‌ای که منجر به آتش سوزی در خودروها می‌شود را ناشی از برخورد یک «سوخت‌کش» با خودروهای دیگر یا واژگونی آنها می‌داند.

مسئولان در برابر این اتفاقات نه می‌توانند با خشونت جلوی فروش غیر قانونی سوخت را بگیرند و نه می‌توانند بی توجه به حوادث جاده‌ای ناشی از این کار بمانند، چون جلوگیری از فروش غیر قانونی سوخت علاوه بر اینکه معیشت هزاران خانواده را تحت تاثیر قرار داده و خود به تهدیدهای اجتماعی بدل می‌شود که شاید پیامدهای بعدی آن از حوادث جاده‌ای نیز بیشتر شود.

در واقع با جلوگیری از این کار شمار بیکاران استان از آنچه که مسئولان استان ۴۰ درصد می‌خوانند، بیشتر می‌شود، از طرفی تهدیدهای اجتماعی بیکاری و فقر بر هیچ کس پوشیده نیست و به روشنی می‌توان آثار آن را در احادیث ائمه نیز جست وجو کرد. حضرت علی(ع) در این باره می‌فرمایند: از هر دری که فقر به خانه‌ای وارد شود، ایمان از در دیگر خارج می‌شود. پس به روشنی می‌توان دریافت که مسئولان محلی با وقت‌کشی و ناتوانی در ایجاد اشتغال، هنوز نتوانسته‌اند جایگزینی برای شغل‌های کاذب دست و پا کنند.

قانونی برای بی قانونی چند دهه

شاید گمان اینکه یک یا چند مافیای بزرگی در فروش غیر قانونی سوختِ استان دست دارند، تصوری ساده انگارانه باشد زیرا بر اساس آمارهای غیر رسمی اکنون هزاران خانواده در استانی چون سیستان و بلوچستان که به لحاظ اقتصادی در دو دهه اخیر گرفتار خشکسالی بوده و در صنعت و معدن نیز توفیقاتی نداشته است، به این کار مشغول هستند، شغلی پر خطر که ریسک انجام آن برای امرار معاش این افراد در سال‌های اخیر به قیمت مرگ آنها تمام می‌شده است.

اما قانون با درک شرایط موجود در استان محرومی همچون سیستان و بلوچستان، چرخه‌ای برای هدایت این فروش غیر قانونی سوخت به شیوه‌ای قانونی دیده است. بر اساس مصوبه هیئت وزیران، مرزنشینان ساکن در فاصله ۲۰ کیلومتر از مرزهای سیستان و بلوچستان می‌تواند سوخت را با قیمت تعادلی (۲۰ درصد کمتر از قیمت سوخت در کشور همسایه) بفروشند.

در این مصوبه نه محدودیتی به عنوان سهمیه برای هر مرزنشین دیده شده و نه منعی برای فروش مستقیم آن توسط این افراد، بلکه تنها و تنها وزارت نفت مکلف شده است تا با ایجاد جایگاه سوخت در بازارچه های مرزی، زمینه فروش قانونی سوخت توسط مرزنشینان راایجاد بکند.

اما وزارت نفت نتنها تا کنون اصل مصوبه را اجرا نکرده، بلکه در برهه ای اقدام به تفسیر مصوبه دولت به نفع خود کرد و قیمت سوخت واگذاری به مرزنشین را از تعادلی (۲۰ درصد کمتر از قیمت سوخت در کشور همسایه) به قیمت فوب خلیج فارس (قیمت جهانی سوخت در خلیج فارس) تغییر داد، اما حالا که به گفته مسئولین محلی و نمایندگان مردم در مجلس وضعیت اشتغال سیستان و بلوچستان در بدترین شرایط ممکن قرار دارد، مسئولان همچنان برای اجرای یا اجرا نکردن مجدد این مصوبه سردرگم عمل می کنند.

استاندار بد قول دولت تدبیر و امید و آرمان‌های جدید

درست بهمن پارسال میرشکار معاون امنیتی استاندار از تغییر در سناریوی اجرای فروش سوخت توسط مرزنشینان خبر داد که دلالانی به نام مباشر و به عنوان نماینده مردم سهمیه سوخت مرزنشین را در آن سوی مرز می‌فروشند و بر خلاف گذشته که سود این کار بین مردم توزیع می‌شد، دولت تنها سود حاصل از این کار را برای توسعه

زیر سایه دیپلماسی لبخند

فرار پنج ماهه برادر عبدالمالک

سرویس سیاسی «توسن»: نزدیک به پنج ماه پیش، اسفند سال ۹۳ برخی رسانه های پاکستانی از دستگیری فردی به نام سلام ریگی خبر دادند.

بر پایه گزارش آنزمان خبرگزاری رویترز، مقامات جنوب غرب پاکستان «سلام ریگی» را زمانی که وی سوار بر اتوبوس در حال سفر در نزدیکی مرز ایران بوده، بدون مقاومت بازداشت کرده‌اند.یک مقام امنیتی که خواسته نامش فاش نشود، به رویترز گفته است که این فرد در ۵۰ کیلومتری شهر «کویته» مرکز استان بلوچستان پاکستان بازداشت شده است.

به نوشته آنزمان رویترز، سلام ریگی پسر عموی عبدالمالک ریگی، سرکرده معدوم گروهک تروریستی جندالله است.

اما ساعاتی بعد منابع ایرانی فاش کردند که هویت حقیقی فرد دستگیر شده «عبدالستار ریگی» برادر کوچکتر عبدالمالک ریگی است.

بر این اساس «عبدالستار ریگی» در لحظه دستگیری برای پنهان کردن هویت خود، کارت شناسایی «سلام ریگی» پسر عموی خود را تحویل ماموران امنیتی پاکستان می دهد.

عبدالستار ریگی برادر کوچکتر عبدالمالک تنها باقیمانده از خانواده سرکرده سابق جندالشیطان است که پس از اختلاف «محمد ظاهر» سرکرده جیش العدل با خانواده ریگی از این گروه جدا و به گروه تازه تاسیس برادرش- عبدالرئوف ریگی- به نام «جیش النصر» می پیوندد.

پس از ترور عبدالرئوف ریگی که بنا به شواهد فراوان توسط محمد ظاهر سرکرده جیش العدل به قتل رسیده، عبدالستار ریگی به عنوان فرمانده جدید جیش النصر به جای برادر بزرگتر، فعالیت خود را از چندی قبل آغاز کرده بود.

*جزئیات بازجویی عبدالستار ریگی درپاکستان

بازجویی از ریگی تروریست مشهور که به تازگی از ایالت بلوچستان دستگیر شده موجب کشف شبکه بزرگ شبه نظامیان در پاکستان شده و نیروهای امنیتی سعی دارند اعضای این شبکه را دستگیر کنند.

طبق این گزارش بازجویی از ریگی برای یافتن محل اختفای سایر دوستانش همچنان ادامه دارد.

به گزارش ارتش قبل از اینکه ریگی دستگیر شود نیروهای امنیتی و سازمان‌های اطلاعاتی به خوبی می‌دانستند که ریگی برای پنهان کردن هویت خود با اتوبوس و به صورت یک مسافر عادی در حال تردد در بلوچستان است.

طبق این گزارش با اینکه ریگی تغییر قیافه داده بود و از کارت شناسایی جعلی استفاده کرد اما نیروهای امنیتی با توجه به عکس‌های متعددی که از وی در اختیار داشتند ریگی را دستگیر کردند.

در همین حال مقامات ارتش پاکستان در مصاحبه با فارس اظهار داشتند: این تصور اشتباه است که ریگی هنگام دستگیر شدن هیچ مقاومتی از خود نشان نداد.

به گفته این مقامات ریگی تمام تلاش خود را برای رهایی از چنگ نیروهای امنیتی انجام داد اما چون تنها بود نتوانست کاری از پیش ببرد.

بر اساس این گزارش ریگی از منطقه دالبدین ازتوابع بلوچستان در حال حرکت به سمت کویته مرکز این ایالت بود که در ۵۰ کیلومتری این شهر توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد.

گزارش‌ها حاکی است که نیروهای امنیتی از قبل در مسیر دالبدین به کویته منتظر غافلگیر کردن ریگی بودند.

گزارش‌ها نشان می‌دهد ۲ روز بعد از دستگیر شدن ریگی و بازجویی از وی نیروهای امنیتی توانستند ۲ شبه‌نظامی عضو ارتش آزادی خواه بلوچستان را دستگیر کنند.

طبق این گزارش یکی از این شبه‌نظامیان از منطقه آواران از توابع بلوچستان دستگیر و نفر دوم از فرودگاه شهر کویته دستگیر شده است.

بر اساس این گزارش نفر اول در حمله به پلیس و نیروهای امنیتی دست داشته و نفر دوم نیز در حمله به فرمانده پلیس منطقه خضدار از توابع بلوچستان دست داشته است.

این گزارش می‌افزاید نفر دوم که از فرودگاه شهر کویته دستگیر شده یکی از رابطهای اصلی در جابه‌جایی ریگی بود و قرار بود مقدمات اسکان و ادامه سفر ریگی را فراهم کند.

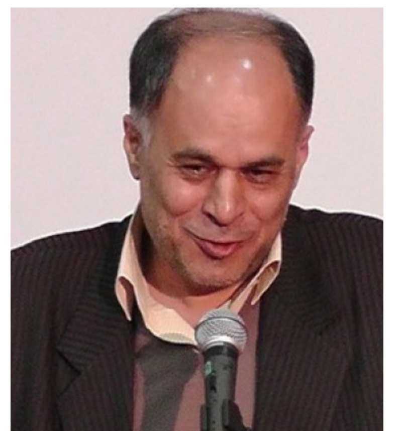

*فال نیک استاندار برای استرداد عبدالستار

چند روز بعد از دستگیری عبدالستار ریگی در پاکستان، علی اوسط هاشمی در گفت و گو با میزان درباره امکان استرداد ستار ریگی از عوامل تروریستی گروهک جیش‌النصر، اظهار کرد: در قالب طرح استرداد مجرمین سندی بین دو کشور ایران و پاکستان به امضا رسیده که مقامات جمهوری اسلامی ایران می‌توانند نسبت به انتقال ریگی به کشور و محاکمه وی وارد عمل شوند و این موضوع از سوی کشورمان قابل پیگیری است.

وی افزود: نکته‌ای که درباره دستگیری ستار ریگی از عناصر تروریستی منطقه حائز اهمیت بوده است توجه به این امر بوده که دولت پاکستان در مقطع فعلی در برخورد با عناصر تروریستی اقدامات مثمرثمری را انجام داده و باید این موضوع را به فال نیک گرفت!

وی تاکید کرد: ایران به طور حتم با توجه به مستنداتی که درباره اقدامات تروریستی گروهک جیش النصر دارد می‌توانند علیه ستار ریگی اعلام جرم کند.

همچنین علی‌اوسط هاشمی استاندار سیستان و بلوچستان، پس از سفر خود همراه با وزیر امور خارجه به پاکستان و رایزنی با مقامات این کشور اظهار داشت: وزیر امور خارجه در اولین سفر خود پس از لوزان به پاکستان سفر کرد که این سفر برای مقامات آن کشور مورد توجه قرار گرفت.

وی با بیان اینکه این سفر در سطح بسیار خوب و موثری انجام شد افزود: عالی‌ترین سطح ارتباطات از جمله دیدار با نخست‌وزیر، رئیس مجلس و ... در جریان این سفر شکل گرفت که دستاوردهای بسیار مهمی را به ارمغان آورد!

وی با اشاره به مذاکرات انجام شده با مقامات پاکستانی گفت: وزیر امور خارجه پاکستان نیز اعلام کرد که اگر ما اطلاعاتی پیرامون مکان‌ها و مخفی‌گاه‌های اشرار در خاک پاکستان داریم در اختیار آنها قرار بدهیم تا نیروهای پاکستانی نسبت به دستگیری و انهدام آنها اقدام کنند. این سخنان در حالی است که دیگر آنها حضور این اشرار را در پاکستان نفی نکردند و از ما انتظار همکاری اطلاعاتی داشتند.

*پس از پنج ماه/ معاون امنیتی استاندار: همچنان خواهان تحویل ستار ریگی هستیم

اخیرا معاون امنیتی انتظامی استاندار سیستان و بلوچستان در زمینه وضعیت تروریست عبدالستار ریگی که توسط پاکستان دستگیر شده است نیز افزود: ایران خواهان تحویل تحویل عبدالستار ریگی از کشور پاکستان است و این موضوع هم‌اکنون از مجاری دیپلماسی پیگیری می‌شود.

این مسئول به تشریح سابقه ستار ریگی پرداخت و ادامه داد: ستار ریگی برادر تروریست معدوم عبدالمالک ریگی است و از تروریست‌هایی است که همراه معدوم مالک ریگی حضور داشته، که پس از کشته شدن عبدالرئوف ریگی به دلیل اختلافاتی که با دیگر گروها پیدا کرده بود سرکرده گروهک تروریستی جیب‌النصر شد.

*چرا عبدالستار هنوز به ایران تحویل داده نشده است؟

یکی از اصلی ترین حلقه های مفقوده امنیت پایدار در جنوب شرق ، عدم دیپلماسی موفق در قبال کشورهای چون پاکستان به عنوان حیات خلوت تروریست ها می باشد. سالهاست بسیاری از ناظرین امنیتی از دیپلماسی کند و ناموفق در مسائل امنیتی جنوب شرق گلایه دارند. به اعتقاد این ناظرین امنیتی ایران تا از طریق دیپلماسی نتواند پاکستان را برای برخورد با تروریست ها و همچنین همکاری بیشتر در مبارزه با تروریسم مجاب کند، همچنان باید شاهد ناامنی ها در سیستان و بلوچستان بود. در هر صورت عبدالستار ریگی یک شاه مهره ضد امنیتی محسوب می شود که در صورت استرداد وی به ایران گره بسیاری از مسائل ضدامنیتی در جنوب شرق گشوده خواهد شد. تنها به همین دلیل مهم باید تاکنون وزارت خارجه دولت تدبیر و امید فشار و رایزنی بی سابقه ای برای متقاعد کردن مقامات پاکستانی برای تحویل ستار ریگی انجام می داد. برخی فعالین سیاسی معتقدند که تمرکز بیش از حد وزارت خارجه بر پرونده هسته ای برخی موضوعات مهم منطقه ای را از اولویت های اول دستگاه دیپلماسی خارج کرده است. گرچه شاید گفته شود در این پنج ماه رایزنی گسترده ای از طرف وزارت خارجه صورت گرفته که به هر دلیلی تاکنون چندان رسانه ای نشده است. اما مسئله اساسی تر این است که چرا این دیپلماسی و رایزنی تاکنون موفق نبوده است؟ نزدیک به پنج ماه است که عبدالستار از دست دیپلماسی لبخند و دیپلمات های دولت تدبیر و امید موفق به فرار شده است. بر خلاف عبدالمالک که نیروهای امنیتی از آسمان وی را به زمین ایران آوردند، اینبار این دیپلمات ها هستند که باید عبدالستار را به خاک ایران برگردانند. مسئله ای که به نظر می رسد با دیپلماسی لبخند نمی شود به آن رسید و باید به مقامات پاکستانی تبعات عدم همکاری با ایران را گوشزد کرد و در اینباره اقتدار بیشتری نشان داد. این نکته را نیز نباید فراموش کرد که طولانی شدن استرداد ستار ریگی به ریگی لحظه به لحظه از برخی ارزش های اطلاعاتی و امنیتی پرونده وی نیز می کاهد...

سردار شعبانی در گفتگو تفصیلی با «توسن»:

تعدد مدیران غیربومی اشکال اساسی این استان است

- اگر فرمانده انتظامی استان بودم، حزب الله و بسیجیان اهل سنت را تقویت می‌کردم
- سرکرده فرقان در بلوچستان با گزارش مردمی به قتل رسید
- برای تحقق امنیت پایدار باید به مردم احترام بگذاریم
- اگر تدبیر نکنیم ظرفیت حضور داعش وجود دارد

سردار ناصر شعبانی فرمانده سابق نیروی انتظامی سیستان و بلوچستان با گذشت سال ها همچنان از محبوبیت خاصی در میان مردم شیعه و سنی این استان برخوردار است. متن ذیل ماحصل گفتگوی هفته نامه «توسن» با ایشان است.

*** ارزیابی شما از وضعیت امنیتی سیستان و بلوچستان در حال حاضر چیست؟**

رهبر معظم انقلاب در سفر خود به خراسان تأکید کردند که امنیت بی‌نظیر کشور قابل توجه است.اما سیستان و بلوچستان با توجه به مسائل قومی و مذهبی و تأثیرپذیری از آن سوی مرزها شاید قدری آسیب‌پذیرتر باشد. البته ناامنی های این استان با حوادث و تحولاتی که در کشورهای منطقه رخ می‌دهد قابل مقایسه نیست. اگرچه تعدادی از فرزندان این خاک در حوادث امنیتی شهید می شوند اما وقتی به فرایند امنیت در استان می‌نگریم به برکت خون شهدا روند مثبتی را شاهد هستیم. البته ما باید تکلیف خود را با کشورهای همسایه مشخص کنیم که پناهگاه اشرار نباشند. در حال حاضر امنیت نسبی استان قابل تقدیر است. البته امروز خطر داعش که گروهکی شرور، گستاخ و وابسته به بیگانگان است و دقیقا در جهت منافع اسراییل گام برمی‌دارد و به افغانستان آمده، احساس می‌شود. یعنی ظرفیت ناامنی در استان وجود دارد گرچه نسبت به گذشته و ضعیت بهتری را شاهد هستیم.

***آیا داعش می تواند برای سیستان و بلوچستان یک تهدید به شمار بیاید؟**

در یک نگاه کلی و درست، اهل سنت برای کشور فرصت محسوب می‌شوند اما تعداد محدودی به دلیل تأثیرپذیری از آن سوی مرزها در این بین آسیب‌پذیر هستند. چنانچه جریان منحرفی مانند داعش و گروه‌های دیگر تکفیری درصدد فعال کردن گسل قومی و مذهبی برآیند و برخی از ناآگاهان را بتوانند از حاکمیت دور کنند (که نظیر این در سوریه و عراق رخ داد) و عملکرد آنان مدیریت و کنترل نشود، ظرفیت حضور داعش وجود دارد.

***اگر در حال حاضر فرماندهی نیروی انتظامی استان را برعهده داشتید، چه می‌کردید؟**

مسلما مانند هر انسانی که امروزش باید بهتر از دیروزش باشد، اگر در حال حاضر این مسئولیت را برعهده داشتم، کارهایی انجام می‌دادم که در گذشته نمی‌دانستیم و در جهت تقویت حزب الله و بسیجیان شیعه و سنی کار می‌کردم و قوی‌تر از گذشته عمل می‌کردم. ضرورت دارد که این ظرفیت استان مورد توجه قرار گیرد. با یک شبکه‌سازی اجتماعی جوانان شهر را که توان کار اطلاعاتی دارند، فراخوانی می‌کردم. فضای مجازی این فرصت را در اختیار ما قرار می‌دهد تا ارتباط بهتری برقرار کنیم. در مقابل جریان تکفیری که به نام اهل سنت فضا را مرعوب کرده، باید جوانان اهل سنت را اغنا کنیم تا در برابر آنان بایستند.

***چه تعریفی امروز از استان سیستان و بلوچستان دارید؟**

من در ۱۱ استان کشور خدمت کردم. این استان با وجود گستردگی فراوانی که دارد اما به دلیل عدم حضور نیروی امنیتی در برخی نقاط کم تراکم است و قاچاقچیان و اشرار حضور دارند. از سوی دیگر مشکلی که سایر استان‌ها ندارند و مختص این استان است، همسایگی با دو کشور بی‌ثبات است که در نتیجه بسیاری از معضلات این کشورها به سمت ما شیب پیدا می‌کند. وجود بسترهای جرم دراستان سبب ناامنی می‌شود اما اتفاق خوبی که در حال رخ دادن است این است که هم شیعیان و هم اهل سنت می‌دانند که امنیت امری ضروری است. من اخیرا از سوریه به ایران بازگشتم. بسیار مناسب است که بزرگان و مولوی‌های استان را در سفری به استان و شهر حلب سوریه ببریم تا ویرانی آن را ببینند. باید بدانند که اگر به نیروهای ضدانقلاب و تکفیری‌ها توجه نکنیم، آسیب خواهیم دید. لذا تصور می‌کنم با مشارکت مردم می‌توان به امنیت کامل دست یافت. اخیرا سرویس‌های امنیتی امارات و عربستان فردی به نام هشام عزیزی را که سه سال پیش به سوریه رفته بود، به عنوان فرمانده عملیات‌های ضدانقلاب منصوب کردند و در بدو ورود او هشت نفر از برادران انتظامی ما به شهادت رسیدند. از طرفی از نیکشهر گزارشی رسید که چند نفر مسلح در منطقه حضور دارند. در ابتدا ما افراد را نمی‌شناختیم اما با یک گزارش مردمی افراد را دستگیر کرده‌ایم و یکی از آنان همین فرد مذکور بود. برای سرویس‌ها امنیتی عربستان و امارات بی‌سابقه بود که ایران توانسته عضو مؤثر جریان تکفیری در ایران را در بدو ورود حصر کند. باید تشکر کنم از مردم متدین استان به ویژه اهل سنت بلوچستان که اگر این همکاری نبود آسیب‌های را متحمل می‌شدیم و سرکرده گروهک فرقان در جنوب استان بدون گزارش‌های مردمی دستگیر نمی‌شد.

***توصیه شما به عنوان فردی که سالها کار امنیتی در سیستان و بلوچستان و نقاط دیگر کشور داشته اید، به مسؤولان این استان چیست؟**

اشکال اساسی در استان این است که بیشتر مسؤولین آن غیربومی هستند؛ که باعث می‌شود شناخت کمتری نسبت به شرایط استان داشته باشند. اگر واقعا به جوانان استان فرصت داده شود، حرف برای گفتن خواهند داشت. در مرحله بعد باید کارها را علمی انجام داد و با توجه به برخی مدل‌های رفتاری کشورهای دیگر می‌توان راهکارهای خوبی ارائه کرد.

***برخی معتقدند که سیستان و بلوچستان نیاز به مدیران عمرانی و اقتصادی دارد نه سیاسی. نظر شما در این خصوص چیست؟**

ما باید همه موارد را به طور متوازن داشته باشیم. در کنار سیاست، فرهنگ و اقتصاد باید مورد توجه قرار گیرد البته در زمان شاه به دلیل گستردگی خیلی به استان رسیدگی نشد اما بعد از انقلاب کارهای زیادی صورت گرفت ولی به دلیل گستردگی به چشم نمی‌آید توسعه استان باید خودبنیان و متوازن باشد و اولویت به امور اقتصادی داده شود. استانی که ۱۱درصد کشور است، چرا باید شش درصد از جاده‌های کشور را داشته باشد مشخص است که عقب ماندگی دارد.

*** اگر بخواهید به کابینه دولت تدبیر و امید در خصوص حل مشکلات استان مشورت دهید، چه موضوعاتی را بیان می‌کنید؟**

به صراحت باید گفت که به مردم شیعه و سنی استان احترام بگذارند. هنرشان این باشد که بین انسان‌های خوب و بد فاصله قرار دهند. باورمان شود که وظیفه ما خدمت به مردم است نباید احساس کنیم به دلایل قومی برتری داریم. مردم سیستان و بلوچستان تشنه و قدردان محبت هستند. اگر جوانان شیعه و سنی احساس تعلق به این خاک کنند، به حفظ خاک خود می‌پردازند. مشکلات کشاورزی و خشکسالی وجود دارد اما برخی ظرفیت‌ها مانند معادن تاکنون به دلایل امنیتی نادیده گرفته شده است.

***به نظر شما آیا کار امنیتی در استان خیلی دشوار است؟**

کار امنیتی در استان پیچیدگی دارد؛ زیرا مرز طولانی با دوکشور که سرویس‌های امنیتی بیگانه را در خود دارند، دارد. امروزه بعضا ناامنی در استان سایر استان‌ها را متأثر کرده است اگر لوله گاز از این استان عبور کند و از طریق چابهار به هند و چین برود، این استان به ظاهر ناامن می‌تواند در موقعیت ژئوپلیتیکی امنیت کشور را تأمین کند؛ زیرا شغل ایجاد می‌کند و منفعت کشورهای منطقه در امنیت ما خواهد بود.

*** تلخ‌ترین و شیرین‌ترین خاطره‌تان از سیستان و بلوچستان؟**

من در عملیات‌های فراوانی شرکت داشتم. روزی در ایرانشهر هنگام عبور از منطقه دلگان، در روستایی توقف کردیم. زنی آمد و هنگامی که از هلاکت سه تن از اشرار منطقه باخبر شده بود، به لهجه بلوچی گفت من باور می‌کنم که دام من از آن من است و احساس امنیت می‌کنم. اما ناکامی‌هایی هم داشتیم. در کرمان، اشرار خارجی‌ها را گروگان گرفتند و گفتند فلانی در زندان است هم پول می‌خواهیم و آزادی زندانی را. شورای تأمین کرمان خوب عمل نکرد. اما اتفاقی در سیستان و بلوچستان رخ داد که در جاده ترانزیتی شش پرتغالی توسط اشرار ربوده شدند تا مانند کرمان معاوضه کنند اما به لطف خدا هیچ باجی ندادیم، در ۲۱ روز درگیری بدون تلفات گروگان‌ها را آزاد کردیم و در این مرحله همکاری مردم اهل سنت نصرت آباد به ویژه دو مولوی منطقه بسیار مؤثر بود. اقتدار آسمانی ما در دستگیری بدون تلفات عبدالمالک ریگی، سرسپرده اسراییل، عیان شد و اینهاست که ارزش دارد. در مأموریت‌هایی که در اثر اشتباه بودن برآوردها شهید می‌دادیم بسیار ناراحت می‌شدیم و تا چند روز حل و هوایی خاص بر ما حاکم بود.

***راهکارشما برای برقراری امنیت پایدار در استان به صورت خلاصه چیست؟**

مردم بلوچ قدردان محبت هستند، اگر بخواهیم کاری کنیم باید به مردم احترام بگذاریم اگر اینگونه شد خود مردم وارد صحنه خواهند شد و اینجاست که امنیت پایدار تحقق می‌یابد زیرا معنای آن امنیت مردمی است. ساماندهی مردم رمز موفقیت است. باید گفت ما با شرور می‌جنگیم نه با بلوچ.

یادداشت

ادامه از صفحه اول

زیرساخت‌های اشتغال هزینه می‌کند.

چند ماه بعد مقامات کمیسیون مبارزه با قاچاق کالا و ارز استان دوباره در اظهار نظری دیگر در رسانه ملی به مرزنشینان وعده شروع مجدد طرح فروش قانونی سوخت را دادند که هرگز محقق نشد.

آخرین وعده مسئولین همان ضرب العجل علی اوسط هاشمی، استاندار سیستان و بلوچستان بود که برای فروش قانونی سوخت تعیین کرد و گفت: باید تا ۲۰ اردیبهشت امسال این طرح دوباره در شهرستان‌های هیرمند و سراوان اجرایی شود. اما استاندار این بار سناریوی جدیدی برای نحوه‌ی اجرای طرح تعریف کرد و بر خلاف گفته معاونش خبر از توزیع سود حاصل از فروش سوخت در بین مردم را داد.

اما مسئولان به جای کار کارشناسی، تصمیم‌های مقطعی می‌گیرند و هر دفعه آن را تغییر می‌دهند، اما مردم هم دیگر امیدی به این طرح هیئت دولت که چالش چند دهه کشور با نام «قاچاق سوخت» را به فعالیتی قانونی تبدیل می‌کند ندارند، آنها اراده‌ای در تیم مدیریتی استان برای ایجاد شغل در روستاهایی که هر روز نسبت به روزهای قبل تر فقیرتر و مهاجر گریزتر می‌شوند، نمی بینند.

ظاهراً استاندار بد قول دولت تدبیر و امید در سیستان و بلوچستان به جای تصمیم‌های جدی برای حل یک مشکل، هر روز آرمان و آرزوهای جدیدی در سر خود می‌پروراند تا به واسطه آنها سیستان و بلوچستان جدیدی بسازد.

به عقیده مردم محلی اگر طرح فروش سوخت با شیوه‌ای که هشت سال قبل در هیرمند اجرا شد، انجام شود، نتنها جمعیت در نقاط مرزی استان تثبیت می‌شود که مهاجران رفته از مرز نیز فرصت دوباره‌ای برای سکونت در این مناطق بدست می‌آورند. به گفته مردم بومی شهرستان هیرمند، هشت سال قبل استانداری با کمک سازمان همیاری شهرداری‌ها، سوخت را به صورت سهمیه‌ای بین روستائیان مرزنشین هیرمند توزیع می‌کرد که خود آنها می‌توانستند این سهمیه را در بازارهای مرزی بفروشند.

بررسی توافق وین با نگاه به آب شیرین‌کن هسته‌ای چابهار

مردم جنوب استان همچنان تشنه بمانند!

Reuters

آب شیرین حق تمامی انسانهایی است که روی کره زمین زندگی می کنند اما توزیع نامتوازن جغرافیایی این نعمت بزرگ باعث شده تا در برخی نقاط از زمین بحران کم آبی زندگی تعداد بسیار زیادی از انسانها را تهدید کند، این موضوع اما در جغرافیای کشور ما در چند سال اخیر بسیار جدی تر از گذشته مطرح شده و باز به طور خاص تر در استان ما که از شمال تا جنوبش با کم آبی رو به رو است توجهات زیادی را به خود جلب نموده. هم اکنون در برخی نقاط جنوبی استان برای به دست آوردن آب شیرین باید کیلومترها راه توسط ساکنان آن منطقه طی شود و یا در شمال استان ساعاتی در طول روز آب شرب در لوله ها یافت نمی شود.

سال گذشته با انتشار خبر بهره برداری از فاز آب شیرین کن نیروگاه اتمی بوشهر و تولید روزانه ۵ هزار متر مکعب آب توسط این نیروگاه امید های بسیار زیادی در دل مردم کشورمان قوت گرفت تا ثمره سالها پایداری بر موضع عزتمندانه خود در قبال پرونده هسته ای را درو کنند و با بهره برداری از انرژی هسته ای در قالب آب شیرین کن های هسته ای بخشی از رنج یک دهه فشارهای خارجی را از چهره بزدایند. طبق اخبار منتشر شده در رسانه های ملی نظیر همین آب شیرین کن هسته ای در بوشهر مقرر گردید در سیستان وبلوچستان و در بخش جنوبی اش یعنی چابهار نیز طراحی و اجرا گردد تا مشکلات ناشی از عدم وجود آب شیرین در نقاط متعدد این استان پهناور و خصوصا نواحی جنوبی آن مرتفع گردد طبق عقیده کارشناسان مسائل انرژی آب خلیج فارس از شورترین آبهای دنیاست ولی میزان شوری و وجود نمک در آب دریای عمان به دلیل اتصال مستقیم به آبهای دریای آزاد بسیار کمتر از خلیج فارس می باشد و این نکته به معنای آن است که تاسیس نیروگاه انرژی اتمی در چابهار برای شیرین سازی آب دریا بسیار مقرون به صرفه تر از بوشهر است . اما پس از آغاز دور جدید مذاکرات هسته ای و محدود شدن تحقیق و توسعه در بیانیه های ژنو و لوزان خیلی زود روند پرشتاب این پروژه ها متوقف گردید و با رخوت و رکود مواجه شد.

طبق متن بیانه لوزان تمامی امر تحقیق و توسعه تا پایان دوره اعتماد سازی (که احتمالا بین ۱۰ تا ۲۰ سال توافق شده است) به حالت تعلیق در خواهد آمد و بعد از پایان یافتن این دوره طولانی مدت اگر گزارش آژانس انرژی اتمی مبنی بر اعتماد به ایران بود مجددا ایران می تواند پس از احتمالا ۱۵ سال دست به تحقیق و توسعه هسته ای بزند و این یعنی چابهار در صورت به دست آمدن توافق تا ۱۵ سال آینده نمی تواند آب شیرین داشته باشد، اما آیا آژانس بین المللی انرژی اتمی رای به قابل اعتماد بودن برنامه اتمی ایران اسلامی خواهد داد؟ بر اساس شواهد تاریخی و عقیده برخی ناظران سیاسی این امر بعید به نظر می رسد زیرا آژانس انرژی اتمی در طول ۱۲ سال گذشته حتی یک بار هم گزارشی ناظر بر اعتماد به ایران منتشر نکرده و در مقابل بارها دست به پرونده سازی علیه برنامه صلح آمیز هسته ای کشورمان زده است و از دیگر سو با در اختیار قرار دادن اطلاعات مربوط به دانشمندان هسته ای کشورمان نزد سرویس های امنیتی رژیم جعلی اسرائیل موجبات ترور آنها را فراهم آورده است. حال باید منتظر ماند تا سرنوشت لب های خشکیده مردم استان مان در هتل کوبورگ معین گردد.

*سرمایه‌گذاری ۱۲ میلیاردتومانی، به فنا رفت

در همین حال مردم چابهار و روستاهای اطراف در حالی با مشکل نبود آب شیرین مواجهند که علاوه بر هم‌نشینی در کنار دریا یک کارخانه آب شیرین در منطقه آزاد چابهار بدون فعالیت مانده است.

در حال حاضر روستاهای اطراف چابهار به وسیله تانکر آبرسانی می‌شود. همچنین مناطقی که عمده فعالیت صیادی چابهار در آن‌ها انجام می‌شود نیز فاقد آب لوله‌کشی و بدون آب شیرین هستند. برای نمونه بندرصیادی بریس و مردم ساکن در آن از منطقه نگور آب می‌خرند.

این در حالی است که به دلیل بی‌تدبیری منطقه آزاد چابهار یک کارخانه آب‌شیرین‌کنی در این منطقه احداث ولی بدون فعالیت مانده‌است.

«علی پارسا» سرمایه‌گذار پروژه‌های آب و آبرسانی دراین‌باره به کلیدملی گفت: «برخلاف سرمایه‌گذاری ۱۲ میلیاردتومانی برای تولید آب بسته‌بندی در منطقه آزادچابهار این مجموعه حاضر به عملی کردن تعهد خود نیستند و به همین دلیل کار متوقف شده است»

این سرمایه‌گذار اهل سیستان و بلوچستان که در عمان ساکن است همچنین توضیح داد: بگذارید اینطور برایتان بگویم. من یک تاجر هستم. در منطقه چابهار مردم برای آب له‌له می‌زنند. اگر آب باشد حیات هم هست. اگر آب نباشد پتروشیمی، فولاد، نیروگاه برق و هر صنعت دیگری معطل می‌ماند. همه این‌ها آب نیاز دارند. اگر آب باشد کشاورزی صنعتی هم شکل می‌گیرد. اینگونه حرفم را جمع‌بندی کنم که اگر آب باشد امنیت هست.

پارسا همچنین گفت: مشکل من سرمایه‌گذار در پروژه‌هایی است که در منطقه آزاد قرار بوده انجام بگیرد و متأسفانه مدیریت منطقه آزاد نتوانسته کاری برای برداشتن موانع آن انجام دهد. ۳ - ۴ پروژه در منطقه آزاد چابهار دارم که متوقف مانده‌اند. اما در بیرون از منطقه آزاد در محدوده چابهار آقای محبتی که فرماندار پرتکاپویی است خوب کار می‌کند و کارها پیش می‌روند.

مشکل توقف پروژه‌ها در منطقه آزاد چابهار فقط مربوط به برنامه‌های سرمایه‌گذاری در آب نیست. یکی از پرسش‌های مردم منطقه این است که چرا منطقه آزاد چابهار نتوانسته وضع زندگی مردم را بهبود ببخشد.

خلیل‌الله درخشان، «خلیل الله درخشان» کشاورز نمونه چابهار و مدیرعامل شرکت «مکران صید بریس» در این‌باره تأکید کرد: مدیر خوب کسی است که برنامه‌ها را اجرا کند. مهم اجرای برنامه است نه بومی بودن. متاسفانه برنامه‌ای که از بیست سال پیش برای منطقه آزاد نوشته شده هنوز اجرا نشده است.

این فعال اقتصادی در چابهار همچنین گفت: علت افت و خیز در این مجموعه افت و عقبگرد مدیریت است. مسئله دیگر این است که مدیرعامل منطقه آزاد باید اختیارات آیین نامه و اساسنامه را داشته باشد.

روایتی از دیدار مولوی قمرالدین با حضرت آقا

آیت الله خامنه ای دو نوبت در میان مردم استان سیستان و بلوچستان اقامت داشته و در این دو نوبت کوتاه، تلاش های برای تقریب را صورت داده است. در کتاب «شرح اسم» که زندگی نامه آیت الله خامنه ای در سالهای پیش از انقلاب (۱۳۵۷–۱۳۱۸) است، روایتی از این ماجرا آمده است:

بهانه ساواک این بود که روحانیون تبعیدی شیعیان را دعوت به اتحاد می کنند و ممکن است در ادامه، درگیری هایی میان اینان و سنی ها پدید آید؛ در حالی که آقای خامنه ای از بدو ورود به ایرانشهر در فکر زدودن موانع روانی بین اهل سنت و شیعه بود. از این رو به فکر همکاری مشترک افتاده بود. «ابتدا باب گفت وگو را با یکی از علمای اهل سنت ایرانشهر به اسم مولوی قمرالدین که امامت مسجد نور را به عهده داشت گشودم و به او گفتم: مسئولیت اسلامی ما ایجاب می کند که به آینده اسلام و خطرهایی که آن را تهدید می کند و موانعی که بر سر راه تحقق اهداف آن قرار دارد بنگریم. همه مسلمانان با صرف نظر از وابستگی های مذهبی خود در این آینده نگری مسئولیت سنگینی بر دوش دارند. اما در مقابل اگر تمام همت خود را صرف برملا کردن اشتباهات گذشته کنیم و در کتاب های گذشتگان در پی کشف موارد اختلاف باشیم، جز تشدید خصومت ها و به هیجان آوردن احساسات، نتیجه ای دربر ندارد؛ و این نه مصلحت اسلام است و نه مسلمانان.»

آقای خامنه ای به مولوی قمرالدین گفت که این نه به معنی قطع ارتباط ما با گذشته است؛ چرا که وجود فکری و اعتقادی ما، به گذشته پیوند خورده، اما همکاری با یکدیگر باید بر بنیاد نگاه به آینده باشد. وی در دیدارهای بعدی خود با دیگر علماء سنی همین مقوله را یادآوری می کرد که بعضاً می پذیرفتند و دیدگاه آقای خامنه ای را تحسین می کردند.

گام دیگری که وی در ایجاد زمینه مشارکت میان شیعیان و اهل سنت برداشت برپایی جشن در روزهای ۱۲ تا ۱۷ ربیع الاول بود. روز نخست را اهل سنت و روز بعدی را اهل تشیع تاریخ تولد پیامبر اسلام(ص) می دانند. با علماء سنی به توافق رسید که جشنی مشترک برپا کنند. (شرح اسم: ۹۰-۵۸۹)

رضا امیرخانی هم در یادداشت های شخصی خود از سفر رهبر معظم انقلاب به استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۱ که در قالب کتاب «داستان سیستان» منتشر شده، خاطره این ماجرا را از زبان رهبری چنین بیان می کند:

«مولوی قمرالدین! یادتان هست که من آمدم به مسجد شما؟ به شما گفتم که بین دوازده ربیع که شما جشن می گیرید و هفده ربیع که ما، این پنج روز – یک هفته را عید اعلان کنیم.

شما هم قبول کردید. یادتان هست؟»

مولوی چشمهایش را ریز می کند و به رهبر نگاه می کند. انگار تازه آقا را به جا آورده است. سرش را تکان می دهد و بلند بلند می گوید:

– هاوالله...هاوالله...یادمه!

آقا لبخند می زند و ادامه می دهد:

– بعد مشکلی پیش آمد. قرار گذاشتیم اما متأسفانه خورد به سیل... یادتان هست؟ بعد رو می کند به جمعیت که بله! من و مولوی قمرالدین از فردایش افتادیم به کمک به سیل زدگان. من از دوستانم در تهران و مشهد و سایر شهرها کمک می گرفتم و با کمک همین مولوی قمرالدین در ایرانشهر و نیک شهر توزیع می کردیم کمک ها را...

مولوی سر تکان می دهد و اشک توی چشم های این پیر تکیده جمع می شود. انگار او هم دوباره آقا را دیده است. جوان لاغراندام تبعیدی را...

حالا می فهمم که مردم چرا محبت کسی را در دل جای می دهند. مردم نه فریفته ی قدرت می شوند و نه گرفتار هیبت. محبت از دروازه های بزرگ قدرت، دل را فتح نمی کند، بل از پنجره های کوچک ضریح خدمت متواضعانه گذر می کند... در حافظه ی تاریخی مردم، کمک یک جوان لاغراندام تبعیدی به سیل زده ها بیشتر ماندنی است تا آمدن حتی یک ره بر مملکت...

امیرالمؤمنین در اوصاف مؤمن در خطبه ی همام می فرماید: «یمزج الحلم بالعلم، و القول بالعمل» [صبر و علم را تؤامان داراست و سخن را با عمل همراه کرده است] (داستان سیستان، ص ۶۹ و ۷۰)

منبع: اخوت

توسن

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
حسنعلی نوری
زیر نظر شورای سردبیری
****
سرویس اجتماعی: محمدهادی طهرانی‌مقدم
سرویس حوزه: حجت احسان منش
فرهنگ و اندیشه: حامد زارعی
سرویس دفاع مقدس: سعید شهرکی
سرویس اقوام و مذاهب: ساسان سالاری
سرویس دانشگاهی: محمد پاکنهاد
سرویس سیاسی: مرتضی خسروی
سرویس‌تاریخ معاصر: مجتبی جهانتیغ
****
تلفکس: ۰۵۴۱-۳۲۲۳۳۹۶
نشانی: زاهدان- کوچه حافظ- جنب مسجد جامع- دفتر هفته‌نامه «توسن»
طراح و صفحه‌آرا: محمد پاکنهاد- محمدکاظم زحمتکش
Tosaan.blog.ir